



دومین پیش نشست همایش
«حضرت زهرا علیها السلام اسوه حیات طیبه»



شناسنامه نشست علمی - پژوهشی:

شماره نشست: ۱

نوع نشست: عمومی

استاد نشست: حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر میرباقری

تعداد شرکت کنندگان: ۲۰۰ نفر

زمان: پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۱/۲۲

مکان: سالن حسینیه موسسه آموزش عالی بنت الهدی

اهم اقدامات انجام شده:

۱. هماهنگی با جناب آقای میرباقری و دعوت از ایشان جهت حضور در نشست؛

۲. تهیه بسته پژوهشی شامل (سی دی معرفی منابع همایش، سربرگ، فولدر، دفترچه

راهنمای نگارش مقاله در همایش)؛

۳. سفارش طراحی و چاپ پوستر و بنرهای تبلیغاتی نشست؛

۴. اطلاع رسانی در سطح موسسه؛

۵. هماهنگی سالن برگزاری نشست از لحاظ نور، صوت، تهویه و ... ؛

۶. هماهنگی با قاری و مجری؛

۷. ثبت و ضبط نشست؛

۸. پیاده سازی و ویراستاری متن سخنرانی استاد؛

۹. ارسال متن پیاده سازی شده به استاد جهت بازنگری و اصلاح نهایی؛

۱۰. تهیه گزارش نشست.

شخصیت مقدس حضرت زهرا علیها السلام، حقیقتاً یک دریای ژرف و عمیقی است که راهیابی به وسعت و عمق آن برای ما ممکن نیست. حضرت زهرا علیها السلام کسی است که بخش فراوانی از کلام خدای متعال که می فرماید: لقد تجلّل الله فی کتابه ولكن لا یبصرون اشاره به شخصیت این بانوی بزرگوار دارد. فاطمه زهرا علیها السلام جزء آن دسته از شخصیت هایی می باشند که دارای حجاب و پرده هستند و به درک وجودی ایشان، جز کسانی که مطهرند نائل نخواهند گردید، «لا یمسه الا المطهرون».

علامه مجلسی (ره) به نقل از تفسیر فرات بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام آورده است که حضرت، در تفسیر آیه اول سوره مبارکه قدر فرمود:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ؛ اللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَالْقَدْرُ اللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا.^۱

با توجه به این روایت، در می یابیم که نه تنها انسان های عادی از مفهوم شخصیت این بانوی بزرگوار، منفصل و محرومند بلکه همه مخلوقات، دستشان از ساحت ایشان کوتاه است. بنده از این بیان نورانی چنین در می یابم که این روایت این مطلب را به ما گوشزد می کند که وجود مقدس فاطمه زهرا علیها السلام در حجاب است و معرفت ایشان بدون حجاب، تقریباً کار غیر ممکن است و تنها کسانی که می توانند بدون واسطه و حجاب راهی به وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام داشته باشند ائمه معصومین علیهم السلام می باشند و بقیه انسان ها هم به واسطه ائمه معصومین علیهم السلام است که می توانند به معرفت وجود مقدس ایشان نائل شوند.

از عبارات پایانی زیارتنامه حضرت زهرا علیها السلام چنین استفاده می شود که انوار ائمه از وجود مقدس حضرت زهرا علیها السلام ساطع شده و بین ما و حقیقت بانوی دو عالم، حقیقت نبوت حاجب است و با توجه به اینکه در صدر روایت ما را نسبت به معرفت حضرت زهرا علیها السلام تشویق کرده اند، «فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرک ليله القدر»؛ با بیان «إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» می خواهند به ما بفهمانند که دستیابی به حقیقت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جز از طریق معصومین ممکن نیست.

مقام ليله القدری حضرت زهرا علیها السلام

یکی از ویژگی هایی که در باب حضرت زهرا علیها السلام بیان شده این است که فاطمه زهرا علیها السلام حقیقت و باطن شب قدر هستند. شب قدر مثل قرآن دارای ساحت های مختلفی است. همانگونه که می دانید یکی از ساحت قرآن که با همه عظمتش در اختیار ماست و ما به آن دسترسی داریم، ساحت تنزل یافته قرآن است. در صورتی که قرآن حقیقتی است که مانند رشته ای به هم پیوسته بین بندگان و خدای متعال قرار گرفته است، «حبل متصل فی ما بینک و بین عبادک». در یک مقام بالاتر، قرآن کتابی است که به تعبیر خداوند متعال «انه فی ام

^۱- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۵، باب ۳.

الکتاب لدینا لعلی حکیم» می باشد. قرآن کتابی است که یک مرتبه از آن احکام و مرتبه دیگر آن، تفصیل است، « احکمت آیاته ثم فصلت من لدن حکیم علیم».

مراتب و درجات ما انسان ها و اولیای الهی نیز به اندازه میزان راهیابی به ساحت قرآن می باشد. هر اندازه که انسان به معارف قرآن راه یابد، درهای غیب به روی او گشوده شده و با باطن این حقیقت نورانی آشنایی یافته و ساحت های قرآن در او ظهور پیدا خواهد کرد. طبیعتاً قرآن با چنین عظمتی، یک موجود حی، حکیم و دارای مقام شفاعت است، حقیقتی است که بالاترین مراتب حیات را دارد و براساس معارف ما، بالاترین درجات شفاعت، از قرآن است.

بنابراین، همانگونه که قرآن مراتبی دارد، شب قدر هم ساحت های مختلفی دارد که دارای خصوصیتی است که در اینجا به مواردی از آن اشاره می نماییم:

۱. یکی از ویژگیهای شب قدر این است که قرآن با همه عظمت و ساحت هایی که دارد در این شب نازل

شده است. «انا انزلناه فی لیلہ القدر. لیلہ القدر خیر من الف شهر».

۲. این شب، ظرف تنزل روح و ظرف تنزل همه ملائکه بر ولی امر است. «تنزل الملائکه و الروح فیها

بذن ربه من کل امر».

۳. شب قدر راه درک حقیقت توحید است.

شب قدر، شب قدر امت رسول اکرم ﷺ است

در روایات مختلفی از نبی مکرم اسلام و اهل بیت علیهم السلام آن حضرت، برای شب قدر مقاماتی بیان شده است. در برخی از این روایات شب قدر به عنوان شب قدر امت تعریف می شود. مثلاً روایتی که در مجامع روایی مکرراً نقل شده است:

در مجلسی در محضر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره امم گذشته صحبتی به میان آمد. افراد خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: برخی از امت های گذشته آنقدر موفق بودند و عمرهای بابرکتی داشتند و که فقط ۱۲۰ سال از عمرشان را در راه خدا می جنگیدند. جهاد در راه خدا که دری از درهای بهشت است، «جهاد فی سبیل الله باب من ابواب الجنه فتحه الله لخاصة اولیائه»؛ در حالی که میانگین عمر امت پیامبر صلی الله علیه و آله کمتر از این مقدار است.

حضرت به خدا عرضه داشتند: خدایا در مقابل آن همه عمرهای طولانی که امم گذشته داشتند و از آن فرصتها برای تقرب به تو استفاده کرده و در مسیر دنیا به سوی خدا و معرفت و محبت الهی حرکت می کردند، به امت من چه فرصتی داده ای؟

بنا به تعبیر این روایت، سوره قدر بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد که در آن خداوند می فرماید: من به برکت شما، شب قدر را نازل کردم. و اگر کسی بتواند به حقیقت این شب راه یابد خیری که در آن است بالاتر از خیر هزاران شب می باشد.

بنابراین خداوند برای امت رسول خدا مسیر کوتاه تری نسبت به امم گذشته برای سیر راه توحید و معرفت الهی قرار داده است و در این شب کار هزاران شب در سلوک الی الله در وادی معرفت و محبت الهی برای انسان اتفاق می افتد.

از این رو، یکی از ساحت های شب قدر این است که این شب، شب تقدیر امت است و با توجه به اینکه دنیا موضوعیت ندارد «الدنيا دار مجاز والآخره دار قرار»، و اینکه دنیا صراطی است به سوی مقامات توحیدی و معرفتی و قرب و رسیدن به لقاء الله؛ نیازی نیست که انسان در این معبر (دنیا) توقف طولانی داشته باشد و با درک حقیقت شب قدر است که می توان ره صد ساله را یک شبه پیمود و مراتب توحیدی و معرفت الهی را به سرعت طی کرد.

با توجه به مطالب بیان شده، شاید اکنون درک مفهوم این روایت که « فَمَنْ عَرَفَ قَاطِمَةً حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أُذْرِكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ » آسان تر باشد که هر کس بخواهد به حقیقت شب قدر دست یابد و راه معرفت الهی را از مسیر کوتاهی طی کند بایستی به معرفت حضرت زهرا علیها السلام دست یابد.

شب قدر مسیر هدایت و سرپرستی امت توسط پیامبر

یکی دیگر از ساحت های شب قدر که در بسیاری از کتب روایی شیعی و اهل سنت آمده است روایت ذیل می باشد:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رویای صادقانه خود خواب دیدند که بعد از ایشان، افرادی - بنا به تعبیری بنی امیه، بنی تمیم و بنی عدی - بر منبر حضرت بالا رفته و مردم را به قهقرا بر می گردانند. بدین معنا که امت پیامبر صلی الله علیه و آله که با تلاش های فراوان پیامبر و اهل بیتش درهای غیب الهی و توحید به رویشان باز شده بود توسط برخی از افراد به قهقرا (به سمت دنیاپرستی، شرک و بت پرستی) برمی گردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدن این خواب بسیار نگران و غمگین شدند. در این زمان جبرئیل بر وی نازل شد و فرمود: یا رسول الله آیا نگرانید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چنین خوابی دیده ام. جبرئیل عرض کرد: من از این وادی بی خبرم. جبرئیل رفت و پس از مدتی دوباره بازگشت. در این هنگام آیاتی از قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد که بخشی از آن، آیات سوره قدر بود.

در این روایت آمده است که خداوند می فرماید: این شب قدری را که ما به شما داده ایم بهتر از هزاران ماهی که به بنی امیه داده می شود. بالاخره بر اساس حکمت «کلا ممد هوولاء و هوولاء و ما کان عطاء ربک محضورا»، خداوند متعال همانگونه که دستگاه حق را امداد می کند، به دستگاه باطل هم به اندازه ای که حکمت اقتضا دارد، کمک می رساند، البته این امداد (امداد به دستگاه جور) مطلق نیست، زیرا اگر به خواست سردمداران دستگاه باطل باشد آنها می خواهند که همه راه حق را در عالم ببندند. از سوی دیگر، به حضرت رسول صلی الله علیه و آله بشارت دادند که ما به شما شب قدری دادیم که این شب قدر از همه فرصتهایی که در اختیار دشمنان شما قرار می گیرد و آنها بر منبر خلافت شما تکیه می کنند و امت را از شما و مسیر شما بر می - گردانند، برتر بوده و آن فرصت های طولانی دستگاه باطل را جبران می کند.

بنابراین، یکی دیگر از مقامات شب قدر این است که خداوند متعال به وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله در مقام هدایت امت و سرپرستی جامعه بشری، شب قدری را عنایت فرموده که مسیر هدایت امت را کوتاه کرده و همه

مسیرهای انحرافی دشمنان را سد می کند و همه برنامه ریزی های دشمن با عطای شب قدر به رسول اکرم ﷺ جبران می شود.

شب قدر، شب تحقق، تقدیر و تنزل ولایت معصوم

از آنچه که تاکنون بیان شد در می یابیم که شب قدر علاوه بر اینکه شب قدر امت است که خدای متعال آن را به عنوان راهی بین بندگان و خودش گشوده است و ما با این راه می توانیم مسیرهای طولانی ریاضت و سیر و سلوک را کوتاه کنیم و با فرصت های کوتاه تری به مقام معرفت برسیم، از سویی دیگر، نبی اکرم ﷺ هم که حامل هدایت الهی و سرپرستی امت و واسطه فیض الهی هستند در مسیر سرپرستی و هدایتشان شب قدری دارند، خدای متعال به ایشان شب قدری عطا کرده که راه هدایت ایشان را در عالم دنیا هموار می کند.

در معانی الاخبار شیخ صدوق روایتی از وجود مقدس امیر المومنین علی علیه السلام نقل شده است. ایشان می فرمایند: روزی نبی خاتم صلوات الله علیه به من فرمودند: یا علی! آیا می دانی که شب قدر چیست؟ عرض کردم که شما بفرمایید. پیامبر صلوات الله علیه فرمودند: شبی است که همه حقایق تا قیامت در آن مقدر شده است این غیر از شب قدری است که در هر سال تکرار می شود و از آن جمله حقایق ولایت شما و ولایت فرزندان شماست.

با توجه به این روایت، شب قدر، شب تحقق، تقدیر و تنزل ولایت معصوم است. این ساحت از شب قدر بسیار مهم و عجیب است. تلقی بنده از شب قدر این است که گاهی اوقات وجود ما مجرای تقدیر آن دسته از موجوداتی واقع می شود که مسخرمان هستند.

فرض کنید شما تصمیم می گیرید کار خیری انجام دهید. مثلا تصمیم می گیرید زمینی را برای ساختن مسجد وقف کنید. به تدریج این تصمیم عملی می شود و نقشه ساختمان مسجد ترسیم شده و با توجه به آن امکانات ساخت مسجد را فراهم می آورید. هر یک از این مراحل (از مرحله نیت تا انجام کار)، مراتبی از تقدیری است که برای این قطعه از زمین در حال وقوع می باشد.

این تقدیر به عکس هم ممکن است اتفاق افتد. ممکن است یک انسان دنیاگرایی تصمیم بگیرد زمینی را به محل دنیا پرستی، عیش و عشرت و محل معصیت تبدیل کند؛ وقتی نیت او به مرحله انجام می رسد، مرتبه ای از تقدیر این زمین اتفاق می افتد. بنابراین تقدیر و حدود این زمین در اختیار اجتماعی ما شکل می گیرد.

در بعد کلان تر، تمدن، فرهنگ و تکنولوژی که در جامعه روی می دهد نیز تجلی اختیار اجتماعی ماست. یعنی اختیار اجتماعی ما ظرف تقدیر مظاهر تمدنی است. مظاهر تمدنی در اراده اجتماعی انسان ها تقدیر می شود، زیرا مسخر انسان هستند. حال، اگر یک فاعل، یا اراده و یا مخلوقی آنقدر عظمت داشته باشد که همه مراتب فعل الهی از بستر اراده او عبور کند، اراده آن مخلوق محل مشیت خدای متعال گشته و آن وجود با عظمت ظرف مقدرات همه حدود و اقدار عالم می شود. در آنجا ارزش ها و جایگاه مخلوقات در دستگاه الهی معین شده و حدود تحققشان برنامه ریزی می گردد. بنابراین، یکی از معانی شب قدر، حقیقتی است در عالم که مقدرات کل عالم در آنجا اتفاق می افتد.

یکی از شئون وجود مقدس فاطمه زهرا علیها السلام این است که ایشان شب قدر عالمند. در قرآن یکی دیگر از خصوصیات که برای حضرت زهرا علیها السلام معرفی شده این است که ایشان مشکات انوار الهی هستند. یعنی همه

هدایت الهی در ایشان تجسم پیدا می‌کند، «الله نور السموات والارض، مثل نوره کمشکوۃ.» خدای متعال هدایتگر همه عوالم است. اگر همه عوالم ازلا و ابداء به سمت خدای متعال حرکت کرده و هدایت می‌شوند، آن کسی که موجودات و عوالم خلقت را به سوی حضرت حق راهبری می‌کند خود اوست، «الله نور السموات والارض.» در روایات هم بسیار دیده اید که «هدی من فی السماوات و هدی من فی الارض» و یا «هاد لمن فی السموات و هاد لمن فی الارض.»

هدایت از شئون الهی است، «ان الله یهدی من یشاء.» این هدایت الهی که از طریق نور الهی در عالم واقع می‌شود متمثل در حقیقتی است «مثل نوره کمشکوۃ.» این مثل نور، مثل یک چراغدان است. در روایات آمده که مثل نور، وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و چراغدان، فاطمه زهرا یا قلب نبی اکرم است. از سوی دیگر، هم می‌بینید که همه چراغ‌های هدایت بشری، فضیلت‌ها، انوار، معارف و همه علمی که بشر با آنها هدایت می‌شود، از طریق این وجود مقدس در عالم تنزل، تجلی و تحقق پیدا می‌کند.

در مشاهد مشرفه می‌خوانیم: «اللهم انی وقفت علی باب من ابواب بیوت نبیک» هدایت الهی و اجازه ذکر الهی فقط در خانه‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیتش داده شده است و هر کسی به آن خانه‌ها و ساحت‌ها راه یابد متذکر ذکر الهی می‌شود، در غیر این صورت راه ذکر و توحید و معرفت به روی آنها بسته است. پس انوار هدایت الهی که متمثل در یک شخصیت و یک چراغدان است، چراغ‌های هدایت در وجود او برافروخته می‌شود و همه موجودات عالم به وسیله آن چراغ هدایت شده و مراتب سیرشان به سوی توحید و مراتب الهی به وسیله این چراغ الهی انجام می‌شود. این مشکوه انوار الهی است که در خانه‌های توحیدی تنزل یافته است. بنابراین آن شخصیتی که چنین حقیقتی در او تجلی پیدا کرده و از ساحت وی این هدایت الهی در خانه‌های توحید آمده بنا به تعبیری فاطمه زهرا علیها السلام است. زیرا ایشان مشکات انوار الهی و قلب نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. به بیان دیگر، ظرف همه حقایق و انوار هدایتی که به نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داده شده به ایشان نیز عطا گردیده است. مثلاً قرآنی که به پیامبر داده شد، در شب قدر نازل شده است و چنانچه حضرت زهرا علیها السلام شب قدر هستند بنابراین ظرف نزول قرآن نیز محسوب می‌شوند. از آنجا که حضرت زهرا علیها السلام مشکات انوار الهی هستند همه انبیا شعبه‌ای از این انوار هدایتند و چراغی که در دل انبیا برافروخته شده راه تاریخی بشر را روشن و معین می‌کند.

اگر در روایات هم قلب مومن مشکات انوار الهی معرفی می‌شود به این دلیل است که وقتی قلب مومن در مقابل این چراغ مشکات (حضرت زهرا علیها السلام) قرار می‌گیرد مانند آینه عمل کرده و تجلیگاهی از چراغ هدایت الهی می‌شود. بدین ترتیب، حضرت زهرا علیها السلام سرچشمه هدایت همه موجودات و عوالمند و همه هدایت‌ها در ایشان خلاصه می‌شود. این روایات و نیز بسیاری از آیات قرآن نظیر آیه تطهیر، سوره کوثر، سوره قدر، آیه هل اتی و ... هر یک اسراری از شخصیت این بزرگوار را بیان می‌کند و حقیقتاً حضرت زهرا را قرآن باید معرفی کند، سایر افراد آنچنان که شایسته است این بانوی بزرگوار را نمی‌شناسند که بتوانند معرفی کنند.

آنچه که می‌خواهم عرض کنم این است که این بانوی بزرگوار شب قدر ماست و اگر ما به معرفت ایشان راه یابیم، مسیرمان به سوی خدای متعال، توحید و معرفت الهی کوتاه و هموار خواهد شد.

وقتی چنین شخصیت با عظمتی با این جلالت قدر به عالم انسانی تنزل یافته و در قالب بشر خلق می شود، باز هم امتیازاتی نسبت به بشر دارد. مثلاً در روایات زیادی این نکته بیان شده که فاطمه زهرا، حوراء انسیه هستند. زیرا همانطور که بیان شد زمانی که پیامبر ﷺ در معراج بودند نور حضرت زهرا علیها السلام که در شب قدر به ایشان منتقل شد از یک میوه بهشتی بود؛ لذا حضرت زهرا علیها السلام، حوراء انسیه لقب گرفته اند. در جای دیگری می فرمایند: فاطمه زهرا علیها السلام، مثل حضرت مریم علیها السلام، بتول است.

نکته ای که باید مورد توجه قرار داد این است که علیرغم اینکه انبیا در قالب بشر به این دنیا آمدند و حجاب بشر را به خود گرفتند: «قل انما بشر مثلکم یوحی الی»، امتیازی نسبت به سایر افراد بشر دارند و آن این است که همه حقایق عوالم در اختیار ایشان بوده و آنها به سرچشمه الهی متصل هستند؛ و از قضا آن حجابی که موجب غفلت و عدم موفقیت ما در امتحان به خلفای الهی در امر ولایتشان می شود این است که ایشان لباس بشری پوشیده اند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: خدای متعال اگر می خواست جسم آدم را از نور خلق کند، نوری که همه عقول حیران و همه دیده ها خیره شوند و بوی خوشی در آن قرار دهد که همه شامه ها تواضع کنند؛ امتحان ملائکه آسان می شد، زیرا امتحان ایشان با مجهولات انجام می گرفت. اما دیگر حقیقت امتحان واقع نمی گردید و حقیقت اخلاص نمایان نمی شد. به همین دلیل خدای متعال نبی اکرم صلی الله علیه و آله را در قالب بشر آورد و بعد به سایر افراد بشر فرمود که باید تسلیم محض او شده و حتی در دلتان هم نباید از حکم او دلتنگ شوید. «یسلموا تسلیمًا». تنها در این صورت است که گویا نسل پرستی بشر برداشته شده و استکبار و نفسانیت انسان ریخته می شود. در حقیقت، سجده گاه ملائکه گل نبود بلکه مسجد آنها روح بود. روحی که اعظم از ملائکه است ولی این روح در قالب گل آمده است.

انبیا در قالب گل می آیند «قل انما بشر مثلکم یوحی الی» ولی حضرت زهرا علیها السلام وقتی در قالب بشر هم که می آیند حورا انسیه است. و گر نه مقام حضرت زهرا علیها السلام که فوق مقام حوراست. حضرت وقتی در قالب دنیا هم که می آیند یک تمایلات خاصی دارند که نشان از عظمتی است که در جای خود بحث می کنیم. پس ببینید این وجود مقدس آمده به دنیا با یک عهد قبلی با خدا یک عهدی بسته یا مُمْتَحَنَةً اُمْتَحَنَكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا اُمْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا اَنَّ لَكَ اَوْلِيَاءَ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوكِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ

وَ اَتَى (اَتَانَا) بِهِ وَصِيَّهِ فَاِنَّا نَسْأَلُكَ اِنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ اِلَّا اَلْحَقُّنَا بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا بِاَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ

من از این عبارات این زیارتنامه کوچک اینگونه می فهمم که او با خدا عهد بسته تا با خلقت خود جلوی شیطنت و ظلال را بگیرند و با بلاء خودشان عالم را به سمت توحید و نبوت و ولایت و معرفت برسانند. یعنی اگر ابلیس و شیاطین انس و جن قسم خورده اند که راه مستقیم را که همانا صراط توحید و معرفت و محبت است، ببندند، حضرت آن کسی است که با خدا عهد بسته تا با بلاء خودش این موانع را برطرف کند.

به نظر حقیر گمان می کنم حضرت آمده اند در این دنیا تا طی عهدی که با خدا بسته اند خودشان بیایند از طریق ایشان ائمه هم به دنیا بیاید و نسلشان در دنیا بیاید و ایشان راه شیطان را سد بکنند و درهای هدایت را

باز کنند و مردم با وجود ایشان به هدایت برسند بلای ایشان بلایی است که راه تجلی مشکات انوار و ظهور حقیقت و هدایت الهی را در عالم باز می کند. این امر هم برای کسی پوشیده نیست که حضرت با نسل امامانشان باب هدایت را باز کردند، ظهوری که ظهور ولایت و توحید است، ظهور حقیقت نبوت است، به وسیله نسل ایشان انجام می شود.

اگر در دوره ظهور حقیقت توحید تجلی می کند، حقیقت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و نبوت ایشان ظهور می کند، «والشمس والضحا» در روایات گفته می شود نبی اکرم صلی الله علیه و آله و قمر، امیر المومنین علیه السلام است و آن نهالی که شمس را تجلی می دهد. شمس در حجاب است که امام زمان علیه السلام هستند. در زمان ظهور حضرت است که حقیقت توحید و نبوت نبی اکرم صلی الله علیه و آله تجلی می کند. آن روز روشن عالم شعاعی است که از ساحت وجود حضرت زهرا علیها السلام در عالم ظهور پیدا می کند امام زمان علیه السلام از دامن حضرت در عالم تجلی می کند. پس ببینید حضرت در عالم دنیا آمده اند و این موجود تنزلش در عالم انسانی خیلی از مراتب را طی کرده تا به اینجا آمده این شب قدر کل عالم است که به این دنیا آمده و شب قدر ما شده است.

ائمه معصومین علیهم السلام با خدا قرار بسته اند که عالم را به حقیقت توحید و حقیقت نبوت و ولایت برسانند و موانعی که بر سر این راه است که شیاطین انس و جن هستند که آن هم در قرآن خیلی عجیب توضیح داده شده است دستگاه شیطان و اولیای طاغوت یک دستگاه خیلی پیچیده ای است، انقدر پیچیده است که تا قیامت هم هست «و الذین كفروا اولیائهم الطاغوت ...» .

پس یکی جریان نور و هدایت، ولایت و توحید است و دیگری جریان ظلمات است، «یخرجونهم من النور الی الظلمات.» بعد وقتی اینها به وادی ظلمات می روند آنجا می مانند «اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون.» یک طرف جنت است یک طرف نار. یک طرف ظلمات یک طرف نور.

حضرت زهرا علیها السلام با خدای متعال عهد بستند و می آیند در این دنیا جوری زندگی می کنند که همه درهای وادی ظلمات را می بندند. عالم انسانی را به حقیقت عالم نور و عالم توحید و ولایت تسلیم می کنند. لذا یکی از معانی شب قدر این است که حضرت زهرا علیها السلام طریق اتصال ما به نبوت و ولایت است و در آن زیارت مختصر می خوانیم: «زعمنا لک اولیاء مصدقون: ما گمانمان این است که ما ولی شما هستیم.» این گمان به معنی ظن نیست به معنی یقین است. منتهی ما با یقین خود هم که معتقد باشیم حضرت را قبول داریم تصدیق می کنیم آنچه ما می فهمیم و تصدیق می کنیم گوشه ای از ولایت است. لذا از آن تعبیر به ظن شده است. لذا ما هر چقدر هم تلاش کنیم یک گمان است ما گمان می کنیم که داریم حضرت را صدیق می کنیم. ولی همین گمان ما همین اعتقاد ما راهگشا است. این هم نکته دوم که اولی مقام و عوالم حضرت بود و دوم آمدنشان در عالم دنیا که آن هم دیده اید آداب آمدنشان در عالم دنیا را. نورشان در معراج به حضرت منتقل شده تولدشان در عالم دنیا بعد در قالب حوراء انسیه بعد ماموریتشان هم این است که همه کسانی را که می خواهند آنها بیکه که نمی خواهند و می خواهند در وادی ظلال باشند که هیچ، اما آنها بی که می خواهند به وادی ولایت بیایند و شیاطین انس و جن و اولیای طاغوت فضای عالم را ظلمانی کرده اند و نمی گذارند اینها بیایند به وادی نور، حضرت عهد کرده اند که اینها را به وادی نور برسانند. لذا در روایات دیده اید وقتی وادی ظلمات و عوالم ظلمت مطرح می شود در آیه بعد از آیات نور صحبت به میان می آید. ظلمات همان وادی اولیای طاغوت است و خود

حضرت به مثل نورند. می دانید در قرآن ظلمت را به صورت جمع بیان می کند «ظلمات». حضرت می فرماید: «وقتی مومن در این ظلمت واقع می شود دست خودش را هم نمی تواند ببیند چون آدم خود را در نور می تواند ببیند. ملکوت انسان از خود انسان در حجاب است. خودش را در حد یک حیوان می بیند فضای اولیای طاغوت این جوری است و وقتی آدم در فضای اولیای طاغوت واقع شد خود را مثل حیوان پیچیده ای می بیند که فقط غریزه دارد. وقتی در فضای ولایت امیر المومنین علیه السلام واقع شد می فهمد که خود، یک سر الهی است. نمی تواند خود را ببیند. اگر کسی در این وادی ظلمت افتاد و دستش به امام نرسید، در قیامت هم در این ظلمات است. یعنی ظلمات ایشان تا عوالم بعدی هم می آید و تنها نوری که این ظلمت را خلع می کند «اماما من ولد فاطمه» است. همان چراغ هایی که در وجود حضرت برافروخته شده اند. همان خانه هایی هدایتی است که از این مشکات انوار تجلی پیدا کرده اند و این است ماموریت حضرت فاطمه علیها السلام در این دنیا.

تصاویر نشست

